

رجم در فقه و حقوق ایران

پویا فتح الله زاده^۱، سحر باقری^۲

^۱کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی اردبیل

^۲کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی اردبیل

چکیده

رجم، یکی از احکام مسلم اسلامی است که همه مکاتب فقهی، به دلیل مستندات غیرقابل انکار، بر اسلامی بودن آن اتفاق نظر دارند. باوجود این، این حکم مسلم اسلامی از ابتدای رحلت پیامبر اکرم (ص) و حتی در زمان آن بزرگوار مورد تشکیک، انکار برخی فرقه های عمدتاً سیاسی در بین امت اسلام قرار گرفت درخصوص موانع اجرای رجم و حد زنای مستوجب رجم و قتل باید اذعان داشت ممکن است تحت شرایطی مجازات رجم قابل اجرا نباشد. منظور قانونگذار از این عبارت (عدم امکان اجرای رجم) تلطیف مقررات مربوط به مجازات رجم باتوجه به اسناد حقوق بشر و فشار های بین المللی باشد، ضمن اینکه نظر برخی از فقهای معاصر در توصیه به عدم اجرای مجازات رجم در حالتی که موجب وهن اسلام است، مد نظر قانونگذار بوده است. این مقاله به صورت تحلیلی -توصیفی به موانع رجم و قصاص در حقوق ایران پرداخته است.

واژگان کلیدی: رجم، زنا، توبه، گودال

مقدمه

اسلام برای تهذیب نسل و تأمین مصالح عمومی جامعه برای اعمال خلاف شرع مجازات تعیین کرده است. در چنین نظامی، اگر افراد جامعه ملزم به التزام به احکام الهی باشند، این تبعیت، رفاه و سلامت کل جامعه و امنیت آنها را تأمین می کند. این امر جز با برخورد با قانون شکنان و اعمال مجازات های مناسب محقق نمی شود؛ بنابراین یکی از مجازات های خاص در نظام کیفری اسلام، رجم و حبس زنا است که مخالف رابطه نامشروع زن یا مرد متاهل با مرد یا زن دیگری است. در برخی از قتل ها، مرتکب قتل، علیرغم اینکه عمل او عمدی بوده است، مستحق قصاص نیست، زیرا اثبات و اعمال قصاص نفس بر قاتل، مستلزم شرایطی است که در صورت عدم تحقق، قاتل را می توان از آن رهایی بخشید. مجازات قصاص نفس و منتظر عواقب دیگر عمل خود باشد. با بررسی منابع فقهی این مساله روشن می شود که مواردی از این موانع با اشکالاتی جدی رو به رو هستند. مؤلف با عنایت به آراء موجود در منابع معتبر فقهی و در مواردی مخالفت و نیز با در نظر گرفتن یافته های سایر علوم که آن ها نیز متأثر و الهام گرفته از مقررات جدید حقوقی است، از آنها دفاع کرده است، با دیدی نوآورانه موضوعات را بررسی کرده است.

شرع در ثبوت جرم به ویژه در جرایم منافی عفت که از ویژگی های خاص مجازات های اسلامی است، ملایمت زیادی قائل شده است؛ و مقرر شده تا این جنایات فاش نشود و از گسترش فحشا در جامعه جلوگیری شود. به همین دلیل است که برای اثبات آنها زحمات زیادی کشیده و حتی برای گزارش دهندگان این جنایت که قادر به اثبات ادعای خود نیستند مجازات در نظر گرفته است. شروط حاکم بر اثبات جرائم جنسی در شرع به گونه ای است که اثبات آن در شرایط عادی مشکل است و از طرفی مسلمانان از تحقیق در این امور منع شده اند. در مبحث زنا، ادله اثباتی بسیار سخت و برای اجرای حد آن، ضوابط فراوانی تعیین کرده که جمع شدن همه آنها بسیار مشکل یا بعید است. در مقابل، مجازات آن هم در صورت اثبات سخت و شدید خواهد بود و آن هم زمانی است که مرتکب پرده های عفت را دریده و از ارتکاب جرائم به صورت علنی، هیچ ابایی نداشته باشد. اگرچه اجرای حدود خاص مجازات سنگسار به دلیل احراز شرایط آن به ندرت اتفاق می افتد، اما اجرای آن هر چند کم، علاوه بر مجازات مجرم، شرایط روحی خاصی را برای ناظران این صحنه ایجاد می کند که مانع از آن می شود. آنها از ارتکاب عمل. همین هشدار می دهد. گاهی پس از اثبات جرم از طریق قانونی و صدور حکم قانونی، موارد یا موانعی پیش می آید که اجرای حکم سنگسار را برای مدت موقت به تأخیر می اندازد و شرایط اجرای حکم فراهم می شود (خالقی، ۱۳۸۸: ۱۳۵).

اجرای رجم

پس از اینکه زنا محصنه با شرایطی که در بحث های گذشته ذکر شد ثابت شد و فرد مستحق مجازات و محکوم به سنگسار شد و در نهایت حکم مقتضی صادر شد و مراحل قانونی خود را طی کرد. معمولاً هر حکمی که از ناحیه دادگاه صادر می شود برای اجرا به دادسرا می رود و دادستان از طرف دادسرا اجرا می کند اما در مجازات سنگسار قاضی صادرکننده اصل حکم باید آن را اجرا کند. اجرای حکم رجم تشریفات و قوانین خاص خود را دارد که در ادامه توضیح داده خواهد شد.

تشریفات اجرا

بر اساس مواد ۵۰ تا ۵۷ آیین نامه نحوه اجرای احکام حدود، سلب حیات، قطع عضو، قصاص نفس و عضو و جرح، دیات، شلاق، تبعید، نفی بلد، اقامت اجباری و منع از اقامت در محل یا محل های معین مصوب ۱۳۹۸ به شرح زیر است:

الف) در مواردی که به تشخیص دادستان اجرای مجازات رجم میسر نباشد و دادگاه نیز وفق ماده (۲۲۵) قانون مجازات اسلامی پیشنهاد تبدیل مجازات را به رئیس قوه قضاییه نداده باشد، دادستان مراتب را به دادگاه پیشنهاد می دهد. دادگاه در صورت تأیید، پرونده را از طریق رئیس کل دادگستری استان به معاونت قضایی ارسال می کند. در صورت موافقت رئیس قوه قضاییه با تبدیل مجازات رجم، پرونده جهت صدور حکم جدید به دادگاه ارسال می شود و در صورت عدم موافقت، مقدمات اجرای مجازات رجم فراهم می شود.

ب) در صورت رضایت محکوم و ساعاتی پیش از اجرای حکم رجم و ترجیحاً در شب اجراء مراسم مذهبی توسط فرد بصیر و آگاه به مسائل مذهبی و در غیاب وی توسط قاضی اجرای احکام کیفری انجام و به وی تفهیم می‌شود تا چنانچه اظهاراتی مانند توبه یا وصیت دارد اعلام کند. همچنین انجام غسل میت و تحنیت و تکفین توسط محکوم را به وی یادآوری می‌کند.

ج) مرد را هنگام رجم تا نزدیکی کمر و زن را تا سینه در گودال قرار می‌دهند به نحوی که دست‌ها خارج از گودال و آزاد باشد.

د) در اجرای مجازات رجم بزرگی سنگ نباید به اندازه‌ای باشد که محکوم با اصابت یک یا دو عدد کشته شود. همچنین کوچکی آن نباید به اندازه‌ای باشد که عنوان سنگ بر آن صدق نکند.

ه) قاضی اجرای احکام کیفری پیش از اجرای مجازات رجم با هماهنگی مأموران ذی‌ربط اقدامات انجام‌یافته به شرح مواد فوق را بررسی کرده و در صورت تأیید، مراتب را برای ضبط در پرونده صورت‌مجلس می‌کند.

و) هرگاه زنای محصنه با اقرار یا علم قاضی ثابت شده باشد، هنگام رجم ابتدا قضات صادرکننده حکم بدوی سنگ می‌زنند و سپس دیگران و در صورتی که با شهادت شهود ثابت شده باشد، ابتدا شهود و سپس قضات صادرکننده حکم بدوی و پس از آن دیگران سنگ می‌زنند.

ز) حضور شهود هنگام اجرای حد رجم ضروری است؛ اما غیبت یا عدم اقدام آنان به زدن سنگ، موجب سقوط حد نیست و هرگاه محکوم به رجم از گودالی که در آن قرار گرفته فرار کند، در صورتی که زنای او با شهادت ثابت شده باشد، برای اجرای حد رجم برگردانده می‌شود و اگر با علم قاضی یا اقرار ثابت شده باشد، محکوم برگردانده نمی‌شود.

تذکر به محکوم مبنی بر توبه

الف- تذکر در خصوص اعلام وصیت: چنانچه محکوم وصیتی داشته باشد، مقامات یاد شده، نوشته‌ها و وصایای او را پس از ملاحظه مرجع قضایی مجری حکم و اعلام بلامانع بودن آن، پس از اجرای حکم، بدون تأخیر به مقصدی که محکوم تعیین کرده، با هزینه دستگاه قضایی ارسال می‌دارند.

ب- تذکر جهت غسل میت و تحنیت و تکفین خود: اجرای این امور با نظارت مقام قضایی مجری حکم بوده و در صورت لزوم می‌تواند تذکرات لازم را نیز به محکوم علیه بدهد. مأموران زندان یا نیروی انتظامی حسب مورد به محکوم له اجازه می‌دهند که با آب سرو و کافور و آب خالص استحمام کند و سپس به ترتیبی که برای مردگان مقرر شده و با رعایت موازین شرعی بپوشانند. خودش را با سه تکه کفن، تکفین و تند درست کند. در این صورت پس از اجرای حکم و فوت میت، بدون نیاز به غسل و کفن جدید، نماز میت را در همان جایگاه بر او می‌خوانند و در قبرستان مسلمانان دفن می‌کنند، مگر اینکه محکوم قبل از اجرای حکم غسل نکرده که در این صورت غسل میت و سایر مراسم مربوط به دفن میت در مورد او انجام می‌شود. در صورتی که محکوم علیه غیر مسلمان باشد، قبل از اجرای حکم، شعائر دینی لازم طبق مقررات دین او انجام می‌شود.

پ- اخطار به منشی دادگاه برای قرائت حکم قبل از اجرا.

ت- اعلام به مردم و دعوت به سنگسار. حضور عده‌ای از مؤمنان (حداقل سه نفر) و شرکت آنان در رجم. علاوه بر قاضی صادرکننده حکم و شهود، مردم در اجرای حکم نقش اساسی دارند.

کیفیت اجرا

اگرچه سنگسار به معنای کشتن با سنگ آمده است، اما نتیجه سنگسار همیشه مرگ نیست، بلکه ممکن است محکوم از گودال فرار کند. کما اینکه اگر با اقرار شخص جرم ثابت شود پس از فرار آزاد می‌شود و فوت نمی‌شود. اجرای حکم رجم نیز ویژگی‌های خاص خود را دارد که به بیان آن می‌پردازیم:

حفر گودال مخصوص و دفن محکوم برای رجم

اولین قدم در کیفیت اجرای حکم رجم، حفر گودال و قرار دادن محکوم در آن است. اگر محکوم مرد باشد تا کمر و اگر زن باشد تا سینه در آن گودال دفن می کنند. ماده ۱۰۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ مقرر می دارد: «هرگاه مردی را سنگسار کنند، تا کمر و زن را تا سینه در گودالی دفن می کنند و سپس سنگسار می کنند».

ضرورت شرکت مردم در اجرای رجم

مطابق آیین نامه مربوطه، مقام اجرا زمان اجرای آن را به اطلاع مردم می رساند تا در زمان اجرا حضور داشته باشند اما فقها در ذکر عدد برای مفهوم فرقه اختلاف دارند. حضور افراد در صحنه سنگسار می تواند دو جنبه داشته باشد. یکی از جنبه های آن این است که مردم در عملیات سنگسار شرکت می کنند؛ یعنی با پرتاب سنگ به طرف محکوم، او را می کشند. البته این افراد نیز باید مشمول اجرای حد الهی باشند و جنبه دیگر حضور مردم، مفهوم عمومی سازی اجرای مجازات سنگسار و عبرت گرفتن از مردم است. از آنجایی که هدف از اجرای مجازات تنها مجازات گناهکار نیست، بلکه عبرت گرفتن و نصیحت دیگران است و به عبارت دیگر، با آشکار شدن گناه، عذاب نیز باید آشکار شود، بنابراین مجازات زنای محصنه نیز وجود دارد. نباید مخفیانه انجام شود؛ زیرا این تنبیه درس عبرتی برای دیگران است. یقیناً در اجرای این مجازات باید جمعی از مؤمنان حضور داشته و ناظر باشند؛ یعنی به گونه ای اجرا شود که همه مردم بدانند که این حد برای زن یا مرد زناکار اجرا شده است.

جرم زنای محصنه نشان دهنده بی باکی و جسارت متجاوز به جامعه است زیرا ممکن است مرتکب غرائز خود را برآورده کند و عمل او خیانت به نظام خانواده است و مجازات چنین جرمی باید شدید باشد تا آثار و پیامدهای نامطلوب آن بر خانواده های جامعه تأثیر می گذارد برنگردد اما به دلیل دشواری اثبات این جرم، مجرمان کمتری گرفتار می شوند. هدف از مجازات در اسلام، درمان درد جامعه و جلوگیری از سقوط و انحراف است. اجرای عمومی حدود الهی نیز آثار ارزنده ای دارد که در تربیت مردم و جامعه بشری و جلوگیری از تعدی به حقوق خداوند و حقوق مردم نقش مؤثری دارد.

شروع به رجم

پس از مراسم قرائت حکم و توصیه محکوم به توبه و سایر تشریفات لازم، محکوم له را در گودال قرار می دهند و پس از قرار گرفتن محکوم له در گودال، در صورت اثبات جرم با اقرار وی، ابتدا قاضی صادرکننده رأی به سوی او سنگ پرتاب خواهد کرد، سپس دیگران. افرادی که به محل اعدام آمده اند شروع به سنگ اندازی می کنند. در صورت اثبات جرم با شهادت شهود، ابتدا شهود سنگ پرتاب می کنند، سپس قاضی و سپس سایر افراد حاضر در صحنه اعدام اقدام به پرتاب سنگ می کنند.

اما به گفته حقوقدانان، ماده ۹۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ مقرر می دارد: «هرگاه زنای کسی که دارای شرایط احسان باشد با اقرار او ثابت شود، در حین رجم، اول حاکم شرع، سپس دیگران، رجم می کنند و اگر زنای او به شهادت شهود ثابت شود، شهود خواهند بود. ابتدا سنگسار شد، سپس حاکم، و سپس دیگران». عبارات فوق در ماده ۵۵ آیین نامه نحوه اجرای احکام حدود، سلب حیات، قطع عضو، قصاص نفس و عضو و جرح، دیات، شلاق، تبعید، نفی بلد، اقامت اجباری و منع از اقامت در محل یا محل های معین: «در صورتی که حکم رجم مستند به اقرار محکوم علیه باشد، در حین اجرای حکم، قاضی صادرکننده رأی خواهد داد. ابتدا سنگسار و سپس دیگران و اگر حکم رجم بر اساس شهادت شهود باشد، ابتدا شهود و سپس قاضی صادرکننده سنگ می اندازند.

ذکر این نکته خالی از فایده نخواهد بود که اگر شعبه ای از دیوان عالی کشور برخلاف حکم دادگاه بدوی حکم سنگسار صادر کرده باشد در این مورد رئیس شعبه مذکور یا یکی از اعضای شعبه طبق تعیین رئیس شعبه سنگ پرتاب خواهند کرد. انجام دادن همچنین عاقلانه است که سنگسار را با شهود شروع کنیم؛ زیرا احتمال اینکه افراد ارتکاب شهادت دروغین را انجام دهند کم نیست، اما اغلب با علم به دروغ بودن شهادتشان جرات کشتن افراد بیگناه را نخواهند داشت. در نتیجه امتناع شاهد از

شروع رجم موجب لغو حکم رجم می شود؛ بنابراین می توان نتیجه گرفت که حضور قاضی شرع یا شهود در حین رجم و شروع توسط آنان بهتر است. اگر چه نبود آنها باعث تأخیر در اجرای حد نخواهد شد. تبصره ماده ۹۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ مطابق رأی فوق است که مقرر می دارد: «عدم حضور یا اقدام حاکم و شهود به پرتاب سنگ اول مانع اجرای حد نیست و در هر در صورتی که حد باید اجرا شود». در قانون مجازات اسلامی یک قاعده کلی در مورد اختیار شروع به رجم در زمان غیبت شاهد یا قاضی و یا حتی امتناع آنان از سنگ اندازی بیان شده است و تنها این موارد مانع اجرا تلقی نشده است؛ اما اینکه چه کسی در چنین شرایطی شروع کننده خواهد بود، حکمی وجود ندارد.

موانع موجب تأخیر اجرای رجم

گاهی پس از اثبات جرم از طریق قانونی و صدور حکم قانونی، موارد یا مواعی پیش می آید که باعث می شود اجرای حکم سنگسار برای مدت موقت به تأخیر بیفتد و شرایط اجرای حکم فراهم شود. این موارد و موانع عبارتند از:

موانع مخصوص زنان (بارداری، نفاس و شیردهی محکوم)

«بر زن حامله حد جاری نمی شود تا اینکه وضع حمل نموده و از نفاس خارج شود و بچه اش را شیر دهد و به وضعیتی برسد که اتفاقی برای او نیفتد و اگر کفیلی برای او پیدا شود، اجرای حد جایز است» (حلی، همان: ۱۵۶). از امام صادق (ع) در خصوص رجم زن حامله سؤال شد که آن حضرت در جواب فرمودند: «صبر کنند تا آنچه که در شکم دارد، وضع نماید و فرزندش را شیر بدهد آنگاه رجمش نمایند» (نجفی، ۳۳۷).

حتی اگر احتمال حاملگی زن هم داده شود، در این صورت هم رجم اجرا نخواهد شد. یعنی اگر زنی علامت حاملگی در او ظاهر نشده باشد، ولی او ادعای حاملگی داشته باشد، این ادعای او مورد قبول واقع شده و رجم به تأخیر می افتد (هندی، ۱۴۱۳: ۴۶۴). در منابع شیعه در مورد اجرای حد بر زنان مریض و حامله آمده است: «اگر مجرم مریض باشد، اجرای حد تا بهبودی به تأخیر می افتد» (عاملی، ج ۱، همان: ۲۲) و در در جای دیگر در مورد رجم زن باردار، حدیث امام است. گفته شد که حضرت صادق (علیه السلام) حامله است، تا زمان لقاح و بعد از آن تا شیردهی کامل به تأخیر می افتد.

ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ بر اساس این نظر فقهی تدوین و مقرر شده است: «در ایام حمل و زایمان حد قتل یا رجم بر او جاری نمی شود، همچنین بعد از حاملگی نیز در صورتی که طفل فاقد حبس باشد. ضامن و بیم ضرر است». اگر نوزاد از بین برود، حد فعلی اعمال نمی شود، اما اگر برای نوزاد ضامن پیدا شود، حد فعلی اعمال می شود. در ماده ۴-۲۱۵ لایحه پیشنهادی نیز آمده: «اجرای حدود دیگر (غیر از شلاق) چنانچه سالب حیات باشد، بدون شرط اجرا می شود؛ مگر در مورد زن باردار یا شیرده که پس از تحقق زایمان و تضمین حیات نوزاد، اجرا خواهد شد.

اجتماع حد جلد با حد رجم

اجرای یکی از حدود الهی نباید زمینه اجرای حد دیگر را از بین ببرد. اگر شخصی به شلاق و سنگسار شدید محکوم شود، نباید اولاً رجم انجام شود، زیرا زمینه اجرای شلاق را از بین می برد و از این حیث، اجرای رجم تا پایان اجرای حکم به تأخیر می افتد. در این باره صاحب جواهر و احکام شرعی می فرمایند: «اگر چند حد با هم جمع شود، حد اولی اجرا می شود که زمینه اجرای حد دیگر را از بین نبرد» (نجفی، همان: ۳۴۵). قانون مجازات اسلامی به این موضوع توجه داشته و در ماده ۹۸ اخیر الذکر مقرر داشته است: «هرگاه شخصی به چند درجه محکوم شود، اعدام او باید به گونه ای باشد که هیچ کدام موجبات دیگر را از بین نبرد، بنابراین اگر کسی به رجم و جلد محکوم شود، ابتدا حد تعیین شود و سپس حد رجم اجرا شود، هرچند در این ماده قانونی میزان تأخیر بیان نشده است، اما اجازه نداده است که قبل از جلد، سنگسار انجام شود. از حد، این خود نشان می دهد که سنگسار مجاز به تأخیر است، ممکن است شخصی که به اعدام با سنگسار محکوم شده است، به مرحله قطعی رسیده

باشد، اما حکم اعدام او هنوز در مرحله رسیدگی است، بنابراین اجرای حکم اعدام است. سنگسار باید تا زمان رفع حکم اعدام به تعویق بیفتد.

جنون و مستی

جنون مانعی برای اعدام و مجازات نیست. جنون در حین ارتکاب جرم از تعقیب کیفری معاف است و همچنین اگر در زمان ارتکاب جرم عاقل بوده ولی جنون در مرحله تحقیقات و قبل از صدور حکم اتفاق بیفتد، رسیدگی به زمان رسیدگی موکول می شود.

اما اگر پس از صدور حکم، شخص مجنون شود و نافذ شود، در اجرای حکم این شبهه وجود دارد که اگر بازدارندگی و علم آموزی را هدف مجازات بدانیم، یعنی جلوگیری از تکرار جرم و مرتکب و غیره. جلوگیری از ارتکاب جرم از طریق عبرت آموزی به معنای مجازات است، در این صورت دیگرانی که شاهد اجرای مجازات بر مجنون هستند، نه تنها ترس و عبرت اتفاق نمی افتد، بلکه ممکن است حس ترحم و نوع دوستی در آنها بیشتر برانگیخته شود. مجنون، و شاید بهتر باشد تا زمان بیداری او به تأخیر بیفتد. البته تأخیر در اجرای حد به معنای سقوط آن نیست، زیرا در مورد عدم سقوط حد، ماده ۹۵ قانون مجازات اسلامی حکم و تعیین دارد: «در صورتی که محکوم علیه مجنون یا مرتد شود، محدودیت حذف نخواهد شد.»

ذکر این نکته نیز ضروری است که در واقع در مورد سنگسار، غالباً موضوع اصلاح محکوم علیه و جلوگیری از تکرار جرم منتفی است، زیرا معمولاً با اجرای سنگسار، شخص دیگر در قید حیات نخواهد بود. تا بحث اصلاح او مطرح شود. مگر اینکه زنای محسنه با اقرار شخص ثابت شود و او موفق به فرار از گودال شود که در این صورت می توان او را اصلاح کرد. لذا با توجه به دلایل ذکر شده، تأخیر اجرای حکم تا زمان مرگ وی مناسبتر به نظر می رسد. مگر اینکه اصلاً امیدی به بهبودی او نباشد. دلیل این نتیجه گیری این است که دیوانه توانایی تصمیم گیری برای فرار از گودال را ندارد و ممکن است حقی تضییع شود و این خلاف شرع است.

نکته بعدی در مورد سنگسار افراد مست است. نظر فقها در مورد حد شرب خمر این است که در مستی، حد نصیب شراب‌خوار نمی شود، بلکه باید به آنها مهلت داد تا هوشیار شود و سپس حد تعیین شود. صاحب جواهر لعل در تشریح صیغه شرع معتقد است که حد مستی تا زمانی که هوشیار نشود شامل نمی شود؛ زیرا باید منفعت حاصل شود که آن جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم است. از وحدت ملاک نظریات و روایات در این خصوص استفاده می شود که وقتی مستی مجاز به شرب خمر نباشد، برای رجم نیز همینطور است و اجرای آن تا زمان هوشیاری به تأخیر می افتد؛ زیرا وجود مستی مانند جنون مانع از درک کیفر محکوم و تصمیم به فرار از گودال می شود.

فوت محکوم علیه

با فوت محکوم، مجازات ساقط می شود. اصل شخصی بودن ایجاب می کند که با فوت محکوم، اجرای مجازات متوقف شود و در صورت اجرای مجازات باطل بماند. همه فقهای اسلامی بر این اصل اتفاق نظر دارند؛ به عبارت دیگر، مبنای رفع مسئولیت میت را شخصی بودن مسئولیت کیفری می دانند و خداوند متعال در کتاب مبارکه فاطر بر این اصل تکیه کرده و می فرماید: «یعنی هیچ کس بار گناه دیگری را برعهده ندارد»؛ ثانیاً در شرع مقدس اسلام اجرای هر نوع مجازات بر جسم متوفی ممنوع هست؛ بنابراین باتوجه به مطالب فوق، باید گفت با فوت مرتکب، هیچگونه کیفری نباید اعمال شود.

توبه

یکی دیگر از موارد سقوط کیفر رجم به طور اخص و سقوط هر نوع کیفر حدی دیگر به طور عام، توبه و پشیمانی مرتکب آن است که یکی از عوامل مهمی هست که سبب تکفیر گناهان و از میان رفتن آثار گناهان می شود. علامه طباطبائی (ره) در تعریف توبه می فرماید: «توبه در لغت به معنی برگشت است و توبه از بنده، برگشت اوست به سوی پروردگارش با پشیمانی و

بازگشت از سرپیچی و از جانب خداوند نیز توفیق وی به توبه یا آمرزش گناه اوست.» خداوند متعال در آیات متعدد بندگان خویش را به توبه دعوت می نماید و به آنان وعده بخشش می دهد تا اینکه از این مرحله هم فراتر رفته و در سوره فرقان می فرماید: «مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، پس خداوند بدی های آنان را به نیکی تبدیل نماید و خداوند در حق بندگان بسیار آمرزنده و مهربان هست.

در حقوق اسلام مبنای توبه، قرآن و روایت معصومین است و آیات قرآن به طور رسمی توبه را یکی از موارد سقوط کیفر در دنیا و آخرت دانسته، از جمله آیات ۳۳ و ۳۰ سوره مبارکه مائده مربوط به محاربه هست. «مردی خدمت امیرالمؤمنین (ع) رسید و اقرار به دزدی کرد، امام فرمودند: آیا چیزی از قرآن را میتوانی قرائت کنی؟ عرض کرد: بلی، سوره بقره را، فرمودند: دستت را به سوره بقره بخشیدم. اشعث عرض کرد: آیا حدی از حدود خدا را تعطیل می کنی؟ فرمودند: تو چه میدانی، وقتی که بینه بر حدی اقامه شد، امام اختیار بخشش را ندارد، ولی اگر با اقرار به ثبوت رسید، امام مخیر است بخواهد می بخشد و نخواهد قطع می کند» (حر عاملی، ۱۳۹۱: ۳۳۱)، اگرچه روایت مذکور در مورد سرقت هست، اما جوابی که امام (ع) داده، عام و فراگیر هست و در مورد همه حدود صدق می کند. مرحوم مجلسی در این زمینه می فرماید: «هرگاه کسی توبه کند پیش از آنکه نزد حاکم شرع ثابت شود، حدش نمی زنند و اگر بعد از ثابت شدن توبه کند، مشهور آن هست که ساقط نشده و او را حد می زنند و بعضی گفته اند که حاکم مخیر است میان حدزدن و عفوکردن و اگر به اقرار خودش ثابت شده باشد و بعد از اقرار توبه کند، حاکم مخیر است میان حدزدن و بخشیدن» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۸). شهید اول در این خصوص می فرماید: «اگر اقرار به حدی کرده باشد و آنگاه توبه کند، امام در اجرای حد بر او مخیر است، خواه سنگسار باشد یا غیرسنگسار باشد»، اما نکته ای که باید یادآوری شود، در مورد توبه ای که زنای فرد با بینه ثابت شده هست که نظر شهید ثانی در این خصوص حائز اهمیت هست که می فرماید: «هرگاه زانی پیش از قیام بینه توبه کند، حد ساقط می شود» (عاملی، ۱۴۰۳: ۸۹). خواه حدی که در صورت عدم توبه الزم میشد، تازیانه باشد یا سنگسار، بنابر مشهور، چون هر دو مورد در مقتضی و موجب ساقط شدن (یعنی توبه) مشترک اند (نه پس از آن)، یعنی اگر پس از قیام بینه توبه نماید، بنابر مشهور حد از او ساقط نمی شود، به خاطر آنکه (با قیام بینه حد ثابت شده است) و اصل آن است که حد ساقط نمی شود و برخی از فقها گفته اند امام مخیر هست و اگر توبه پیش از اقرار خود زانی به زنا، صورت پذیرد، به طریق اولی حد ساقط می شود و اگر پس از اقرار توبه کند، امام در اقامه حد مخیر هست بر او.

فرار شهود و محکوم علیه

قبل از اینکه به بررسی فقهی فرار شهود و متهم در اجرای حکم رجیم بپردازیم، باید به این سوال پاسخ داد که آیا حضور شهود در حین اعدام شرط است یا خیر؟ در پاسخ باید گفت که از نظر فقههای امامیه، حضور شهود در اجرای حد شرط نیست و در صورت عدم حضور، حد باطل نمی شود، حتی اگر در سفر باشند. آنها نیازی به صبر کردن تا بازگشت از سفر و حضور ندارند، اما تاخیر در اجرا انتظار برای آمدن آنها مشکوک به نظر می رسد (محمدی گیلانی، ۱۳۷۹: ۱۰۱-۱۰۰).

درخصوص فرار شهود و محکوم علیه نظر یک عده از فقها محترم اسلامی را بررسی می کنیم تا روشن شود که آیا با فرار شهود و محکوم علیه رجیم ساقط می شود یا خیر؟ شهید ثانی در این رابطه می فرماید: «اگر زانی یا زانیه پس از قراردادن آنها در حفره از آن بیرون آمدند (فرار کردند)، در صورتی که زنا آنها با بینه ثابت شده باشد یا سنگی به بدن آنها نخورده باشد، بازگردانده می شوند، اما اگر زنا آنها با اقرار ثابت شده باشد و آنها موفق به خروج از گودال شوند و مشهور آن هست که چه سنگی به او خورده باشد و چه نخورده باشد، نباید او را بازگرداند» (شهید ثانی، ۱۳۸۵: ۶۵).

«اگر چنانچه زناکار پس از پنهان کردنش در زمین بگریزد و فرار کند، پس اگر ثبوت حد و سنگسارکردن به شهادت گواهان باشد، دوباره باید او را برگردانند و اگر حد و کیفر به اقرار خود زناکار به حاکم ثابت شده باشد، در این صورت اگر سنگ بر او خورده باشد، برگرداندن لازم و جایز نیست، اگر چنانکه سنگ بر او نخورده، فرار کرده باشد، در این صورت بین فقها خلافت اکثر فرموده اند برگردانیدن لازم نیست و عده ای فرموده اند لازم هست.» حضرت امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله در این

زمینه می فرمایند: «اگر از گودال فرار کند، در صورتی که زنا به وسیله بینه ثابت شده باشد، مجدداً او را برمی گردانند، ولی اگر از طریق اقرار ثابت شده باشد و فرارش بعد از برخورد سنگ هر چند یکی باشد، تعقیبش ننموده، رهایش می سازند و اگر قبل از آن فرار کند، او را برمی گردانند» (موسوی خمینی، ۱۴۰۷: ۸۱). صاحب جواهر معتقد هست که: «اگر کسی که محکوم به سنگسار هست، از حفرهای که در آن قرار گرفته، فرار کند، چنانچه زنا یا بینه ثابت شود، برگردانده می شود جهت اجرای رجم و اگر زنا یا بینه با اقرار ثابت شود، برای اجرای رجم بازگردانده نمی شود.»

موانع اجرای رجم

موانع شخصی اجرای رجم

موانع شخصی اجرای رجم عبارتند از:

ایام بارداری و نفاس زانیه

آیت الله محمدی گیلانی در این خصوص می فرمایند: «چنانچه زن زانیه آبستن باشد، ولو آبستنی وی از طریق زنا باشد، جایز نیست که حد زنا ولو تازیانه بر او جاری شود، بلکه به او مهلت داده می شود که وضع حمل کند و از ایام نفاس بیرون آید و در صورتی که مرضه ای تکفل شیردادن و نگهداری بچه را نمود، واجب هست بر او اقامه حد شود، چه تازیانه چه سنگسار، اما در صورت عدم کافل برای نگهداری فرزند، اقامه حد گرچه تازیانه باشد، جایز نیست، زیرا خوف ضرر برای شیرخوار می رود و در این مسأله خلاف چشمگیری دیده نشده هست و نظر مبارک امام بزرگوار رحمه الله علیه هم در تحریرالوسیله همین هست» (محمدی گیلانی، ۱۳۷۹: ۷۹).

از امام صادق (ع) سؤال شد: «زنی درحالیکه حامله بوده، مرتکب زنا یا محصنه گردیده است، حکم آن چیست؟ فرمود: باید اجرای حکم به تأخیر افتد تا جنین متولد شود و نیز مدت زمان شیرخوارگی طفل پایان پذیرد، سپس رجم گردد.» مناسبت حکم و موضوع اقتضا دارد، قصاص و دیگر حدود الهی نیز شامل حکم روایت باشد و حد زنا که روایت در مورد آن صادر شده ویژگی خاصی ندارد. روایت دیگری نیز با همین مضمون صادر شده است (حر عاملی، ۱۳۹۱: ۳۷۷). برداشتی که می توان از روایت مربوطه داشت، این است که امام (ع) اجرای حد را تا وضع حمل به تأخیر انداخت و بعد از آن طبق دستور خداوند متعال تا شیرخوارگی و بعد از شیرخوارگی تا کفالت بچه، همانطوری که فرمودند، الزاماً باید او را کفالت کرد.

امام (ره) در تحریرالوسیله در این خصوص می فرمایند: «زن حامله اگر مرتکب زنا شود، هیچگونه حدی بر وی جاری نمی شود، چه حدش تازیانه باشد، چه سنگسار، مگر در صورت وضع حمل و تا زمانی که از نفاس خارج شود و حتی اگر اجرای حد به شیرخوردن کودک صدمه بزند، در ایام شیرخوارگی طفل، نیز حد را به تأخیر می اندازد و همچنین معتقدند که بیماری و استحاضه مانع اجرای حد نخواهد بود» (موسوی خمینی، ۱۴۰۷: ۴۶۵). مجلسی در این خصوص می فرمایند: «زن حامله را حد نمیزنند تا بزاید و از نفاس بیرون آید و فرزند خود را شیر بدهد، اگر کسی نباشد که فرزند او را محافظت نماید و شیر بدهد و اگر کسی کفالت فرزند او نماید، بعد از زائیدن در سنگسار و بعد از پاک شدن از نفاس در تازیانه او را حد می زنند» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۱).

آیت الله محمدی گیلانی هم در خصوص اجرای حد بر مریض و مستحاضه می فرمایند: «زانی و زانیه مریض و مستحاضه ای که محکوم به سنگسار هستند، سنگسار می شوند و بیماری و استحاضه دلیل نمی باشد از برای تأخیر اجرای حد و اقامه سنگسار بر آنها واجب هست و تعطیل و تأخیر در حدود، ولو به مقدار یک ساعت جایز نیست» (محمدی گیلانی، ۱۳۷۹: ۷۹)، پس همانطور که از بیانات امام خمینی (ره) و آیت الله محمدی گیلانی، مستفاد می شود، این هست که در صورتی که کیفر، تازیانه باشد نه قتل و سنگسار، اجرای حد تازیانه به تأخیر می افتد، زیرا اقامه تازیانه در حال بیماری ممکن است موجب اشتداد بیماری و احیاناً به مرگ بیمار بیانجامد، ولی اگر کیفر سنگسار باشد، هیچگونه دلیل و موجهی برای عدم اجرای حد نیست.

زنان باردار و بیمار

«امام علی (ع) درباره زنان باردار و دارای بچه خردسال، اجرای حکم حد را به تأخیر می انداخت، حتی زنی را که مرتکب زنا شده بود، پس از تمام شدن دوره شیردهی کودک، خدمت امام آمد تا حد را بر او جاری کند» (محمدی گیلانی، ۱۳۷۹: ۱۰۳). آن حضرت به زن زانیه فرمودند: «برو بچه را بزرگ کن تا او بتواند خطر را از خود دفع نماید، پس از آن برای اقامه حد بیا.» در این مورد مصلحت تربیت بچه بر مصلحت اجرای فوری حد، مقدم شده است (حر عاملی، ۱۳۹۱: ۹۲). در حدیثی دیگر امام علی (ع) فرمود: «کنیز رسول خدا، مرتکب زنا شده بود، پیامبر به من دستور داد تا حد را بر او جاری کنم، ولی متوجه شدم او تازه در عادت نفاس قرار گرفته است، ترسیدم اجرای حد موجب مرگ او شود، لذا تصمیم گرفتم حد را اجرا نکنم، وقتی تصمیم خود را به عرض رسول خدا رساندم، ایشان ضمن تأیید اصل تصمیم، فرمودند: «احسنت» و در نتیجه حد به تأخیر افتاد» (حرانی، ۱۳۶۳: ۴۲).

صاحب جواهر نیز تأخیر قصاص در صورت ادعای بارداری و عدم وجود گواهی قابله را پذیرفته است و این تأخیر قصاص را تا زمانی می داند که حال زن محرز شود (نجفی، ۱۳۶۲: ۱۲۲). در میان متأخرین، امام خمینی (ره) نیز بر این عقیده است که اگر زن ادعای حمل کند و صرف ادعا باشد، احوط بر تأخیر قصاص است (موسوی خمینی، ۱۳۷۴: ۲۱۲-۲۱۳). برخی از فقها نیز از این رویه پیروی کرده و آن را به فقهای مشهور نسبت داده اند. به گفته آنها: «هرگاه زنی که محکوم به قصاص است باردار باشد، به ویژه اگر بعد از ارتکاب جرم یا قبل از آن حامله شده باشد و حاملگی او مشروع باشد یا به دلیل زنا، اجرای قصاص او به تعویق می افتد، حتی اگر طبق نظر مشهور فقها، قصاص باید بعد از آبستن، تا زمانی که حیات طفل در گرو مادر است، به تأخیر بیفتد، زیرا در صورت اجرای قصاص نمی توان قصاص کرد. موکول به رعایت حال جنین، به تعویق افتادن آن به دلیل رعایت فرزند است که جان او تأمین نشده است، اول اینکه» (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۹۱۱).

مواع غیر شخصی اجرای رجم

«یکی از موضوعاتی که در متون روایی به آن اشاره شده و متعاقباً فقهای امامیه بدان پرداخته اند، حکم منع اجرای حدود در سرزمین دشمن است. این حکم به دو صورت مطلق و مقید وارد شده است. در حکم مطلق، اجرای حد در سرزمین دشمن به طور کلی ممنوع اعلام شده است، اما در حکم مقید، منع اجرای آن در سرزمین دشمن منوط به خوف الحاق محکوم علیه به دشمن شده است» (جزیری و دیگران، ۱۴۱۹: ۱۴۴). برخی، خوف الحاق به دشمن را علت حکم و بعضی آن را حکمت حکم می دانند، لکن عده ای با برگزیدن یک رویکرد ترکیبی، جمع بین علت و حکمت در یک حکم را ممکن دانسته اند. این پژوهش با پذیرش دیدگاه اخیر معتقد است؛ خوف الحاق به دشمن از آن جهت که قابلیت تسری به احکام مشابه، مانند شلاق تعزیری یا قصاص را دارد، علت حکم است و از آن جهت که در صورت فقدان آن و وجود تبعات دیگر، باز هم باید از اجرای مجازات حدی و نظیر آن خودداری نمود، حکمت حکم است. با شکلگیری سازمان های بین المللی حقوق بشری و ظهور تکنولوژی های نوین، الحاق فرد به دشمن نسبت به زمان معصوم، آسانتر و پیامدهای آن برای جامعه اسلامی گسترده تر است. همچنین توسعه فضای سایبر در عصر جهانی شدن، باعث کاهش اهمیت مرزهای جغرافیایی شده و نیز تمییز مفهوم سرزمین دشمن را با ابهام مواجه ساخته است، لذا بازخوانی و تعمیم این حکم به دیگر مجازات های در حال اجرا در سرزمین های اسلامی ضروری است» (نجفی، ۱۳۶۲: ۷۹۹).

توقف اجرای حد در سرزمین دشمن و در حرم

مرحوم مجلسی در این مورد فرمایند: «هرگاه کسی کاری کند که مستوجب حد گردد و پناه به حرم مکه معظمه ببرد، برای حرمت حرم او را حد نمی زنند تا از حرم به درآید، ولیکن در خوردن و آشامیدن بر او تنگ می گیرند تا مضطر شود به بیرون آمدن، پس حد می زنند او را و اگر آن کار شنیع را در حرم کرده باشد، چون او حرمت حرم را نگاه نداشته، در باب وی حرمت حرم را رعایت ننموده، بلکه او را در همان جا حد می زنند و بعضی از علما در این حکم ملحق ساخته اند به حرم مکه و حرم

حضرت رسول الله (ص) مشاهد مقدسه ائمه معصومین (ع) را و در این باب مستندی به نظر نرسیده است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۱). امام (ره) نیز در تحریرالوسیله بیان می دارد: «حد شرعی در سرزمین کفار و در حرم الهی به کسی که بدان جا پناه آورده و به اصطلاح بست نشسته است، جاری نمی شود، لکن از نظر آب و غذا بر او تنگ می گیرند تا مجبور شود به بیرون آمدن، این در صورتی است که در خارج حرم مرتکب گناه شده و سپس به جرم پناه برده باشد، اما اگر در خود حرم مرتکب شده باشد در همان جا حد بر او جاری می شود» (موسوی خمینی، ۱۴۰۷: ۸۷).

نقش زمان و مکان در اجرای مجازات رجم

«از روایات مستفاد می شود که پیامبر (ص) و ائمه هدی (ع) اهتمام ویژه ای به اقامه حدود داشتند و تأخیر در اجرای آن را برای لحظه ای جایز نمی دانستند. باوجود این تأکیدات، در قضاوت های پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع) مواردی موجود می باشد که به دلایلی حد را اجرا ننموده اند یا اقامه آن را موقتاً به تأخیر انداخته و یا مجرم را مورد عضو قرار داده اند» (محمدی گیلانی، ۱۳۷۹: ۳۰). امام علی (ع) فرمودند: «من هیچ حدی را در سرزمین دشمن اجرا نمی کنم، زیرا می ترسم شخصی که به او زده شده، غیرتی شده و به دشمن ملحق گردد.»

در این جا خوف الحاق به دشمن، حکمت عدم اجرای حد در نظر گرفته شده است، پس مصلحت اجرای حد باوجود تأکید فراوان، در برابر مصلحت مهمتری مخدوش می گردد (موسوی اردبیلی، ۱۴۰۸: ۲۴۱). همچنین براساس روایتی از امام صادق (ع): «در صورتی که جرم مستوجب حد، در غیر حرم اتفاق افتاده باشد، مجازات آن در حرم قابل اجرا نیست، بلکه در صورتی که شخص مجرم، به حرم پناه ببرد، نسبت به وی سختگیری کرده و موجبات خروج از حرم را فراهم می کنند، سپس حکم را اجرا نمایند» (مجلسی، ۱۳۷۸: ۹۰). رسول خدا (ص) از اجرای حدود در میدان جنگ نهی نموده و می فرمود: «ممکن هست شخص مجرم از روی خشم، تحریک و یا به جهت حمیت به مشرکان ملحق شود، در نتیجه از اجرای حد، آثار میغوض تری نسبت به عدم اجرای آن به وجود آید، زیرا از دست دادن یک مسلمان و الحاق او به دشمن، مفسده بیشتری تا تأخیر یا عدم اجرای حد دارد و در جریان تبوک، سوء قصدکنندگان به جان خود را، به دلیل اجتناب از شماتت های مردم، مورد عفو قرار داد، درحالیکه در مورد اجرای حدود می فرمود: «والتخافوا فی الله لومه الائم» (بیهقی نیشابوری، ۱۴۲۴: ۱۰۳).

در سیره امام علی (ع) آمده است: «زنانی که مرتکب زنا می شدند و شوهر نداشتند، ایشان بدون آنکه حد را در مورد این زنان جاری نمایند، آنان را به اجبار شوهر می داد و می فرمود: امام مسلمین وظیفه دارد زنان آزاد و رها را با شوهر دادن مقید کند، همانگونه که شتر آزاد با عقلا مهار و مقید می شود» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۲).

منابع

الف) منابع فارسی

۱. سیاح، احمد (۱۳۸۷). فرهنگ جامع نوین سیاح، نشر اسلام، تهران، جلد دوم.
۲. شامبیاتی، هوشنگ، (۱۳۹۲). حقوق جزای عمومی، جلد ۱ و ۲، تهران.
۳. شمس، عبدالله، (۱۳۹۹). ادله اثبات دعوی، تهران.
۴. شیرازی، مکارم، (۱۳۸۱). استفتائات جدید، جلد ۲، قم: مدرسه امیرالمؤمنین (ع).
۵. عمید، حسن (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی عمید، نشر راه رشد، تهران، چاپ اول.
۶. قدسی، سید ابراهیم (۱۳۹۳). موضوعات چالشی در حقوق جزای اختصاصی، انتشارات موسسه گام حق، جلد اول، چاپ اول.
۷. معین، محمد (۱۳۸۱). لغت نامه معین، انتشارات معین، تهران، چاپ اول.
۸. معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ فارسی معین، انتشارات آدنا، تهران، جلد دوم، چاپ چهارم.
۹. میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۲). جرایم علیه اشخاص، نشر میزان، تهران، جلد اول، چاپ دوازدهم.

۱۰. نوربها، رضا (۱۳۸۷). زمینه حقوق جزای عمومی، انتشارات کتابخانه گنج دانش، تهران، چاپ بیست و یکم

ب) منابع عربی

۱. قرآن کریم
۲. حرعاملی، شایخ محمدبن حسن (۱۴۱۳). وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، نشر موسسه آل البيت، قم، الف جلد بیست و هشتم
۳. حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن (محقق)، (۱۴۱۳). المختصرالنافع، موسسه البعثة.
۴. حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن (محقق)، (۱۴۲۱). شرایعالاسلام، ق ۳، جامعه الطهران. - حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۳). قواعد الاحکام، جلد ۳، مؤسسه النشر الاسلامی، قم.
۵. خویی، ابوالقاسم (۱۳۷۵). مبانی تکمله المنهاج، نشر موسسه احیاء آثار امام خویی، جلد دوم.
۶. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان ترجمه محمدباقر موساوی همدانی، دفتر نشر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم، الف جلد اول.
۷. طبسی، نجم الدین، (۱۴۱۶) النفی و التغریب فی مصادر التشريع الاسلامی، موسسه الهادی قم.
۸. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن (۱۱۷۴ق). الخلاف فی الفقه، نشر موسسه نشر اسالمی، قم، جلد پنجم
۹. عاملی، حر، (۱۴۱۴). وسائل الشیعه، جلد ۱ و ۲، آل البيت، قم.
۱۰. موسوی خمینی، سیدروح الله، (۱۴۰۸). تحریرالوسیله، جلد ۲، قم.
۱۱. هندی، فاضل، (۱۴۲۴). کشف اللثام عن قواعد الاحکام، جلد ۱۰، موسسه نشر اسلامی.

ج) مقالات

۱. ابوالحسنی، رحیم، (۱۳۸۰). اجرای علنی مجازاتها از دیدگاه حقوق اسلام، مجله رواق اندیشه، شماره ۶.
۲. ابوبی مهریزی، حسین، (۱۳۸۱). حکم انکار بعد از اقرار در فقه و حقوق اسلامی، مجله دانشکده - الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مشهد، شماره ۵۷.
۳. درویش پور، وفا، (۱۳۸۹) نقدی بر مقاله سنگسار، فصلنامه فقه و مبانی حقوق دانشگاه آزاد اسلامی بابل، شماره ۲۰.
۴. شاکری گلپایگانی، (۱۳۸۲). طوبی، اسلام، حق حیات، کدام قاعده، مجله ندای صادق، شماره ۳۰.
۵. شمس، محمدابراهیم، (۱۳۷۶). فلسفه مجازاتهای حدی، مجله نقد و نظر، شماره ۱۲.
۶. صدر، شادی، (۱۳۸۵). مقاله منع سنگسار را قانونی کنید، مجله بازتاب اندیشه، شماره ۷۷.
۷. صدر، شادی و علیزاده، محسن، (۱۳۸۶). تحلیل فمینیستی مجازات سنگسار، مجله بازتاب اندیشه، شماره ۸۴.
۸. فتحی، حجت الله، (۱۳۸۱). بررسی فقهی و حقوقی اجرای علنی حدود و گستره آن، مجله رواق اندیشه، شماره ۸.
۹. قربان نیا، ناصر، (۱۳۸۰). اجرای مجازات، آشکار یا نهان، مجله نامه میبد، شماره ۳.
۱۰. قیاسی، جلال الدین، (۱۳۷۹). پیوستن علم قاضی به بینه یا اقرار، مجله فقهی کاوشی نو در فقه اسلامی، شماره ۲۳.
۱۱. کاظمی الموتی، نورمحمد، (۱۳۷۹). تأثیر مقتضیات زمان و مکان بر مجازات در حقوق کیفری اسلام، فصلنامه دانشگاه مفید، شماره ۲۳.
۱۲. کدیور، جمیل، (۱۳۷۷) مقاله اجرای رجم در زمان غیبت معصوم (ع)، فصلنامه فقه و مبانی حقوق دانشگاه آزاد بابل، شماره ۱۵.
۱۳. محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۷۸). حدود در زمان ما: اجراء یا تعطیل، مجله تحقیقات حقوقی، شماره های ۲۵ و ۲۶.
۱۴. محقق داماد، مصطفی، سادات حسینی، (۱۳۸۰). چشم اندازی بر حدود و اجرای علنی آن، مجله الهیات و حقوق دانشگاه تهران، شماره ۲.

۱۵. محقق داماد، مصطفی، (۱۳۸۶). مجازات عمل منافی عفت در قرآن، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۳.
۱۶. نوبهار، رحیم، (۱۳۷۹) اهداف مجازاتها در جرایم جنسی مستوجب حد در حقوق کیفری اسلام، مجله نامه مفید، شماره ۲۳